

من مات تصویر تو آم...

معرفی کتاب «پشت شیشه‌های مات»، زندگینامه داستانی شهید بهشتی

معصومه موسایی

روزنامه‌نگار

در داستان نویسی، يك اصل اساسی به نام بهانه روایت وجود دارد. یعنی نمی‌شود که برای خودتان یا برای در و دیوار، قصه بیاپید و داستان‌سرایی کنید؛ بنابراین برای تعریف کردن یا نوشتن داستان باید يك بهانه‌ای داشته باشید. هر چه این بهانه داستان، جذاب‌تر باشد مخاطب را بیشتر با وقایع و اتفاقات، همراه می‌کند. نویسنده کتاب «پشت شیشه‌های مات»، بهانه جالبی برای روایت زندگی شهید بهشتی در نظر داشته؛ لینکن، یکی از گروگان‌های آمریکایی است که در جریان اشغال سفارت یا همان لانه جاسوسی آمریکا دستگیر شده و چون در مدت زندگی و کارش در ایران با شهید بهشتی ملاقات داشته، حالا پیر شده و دارد تمام خاطراتش از ایران را برای نوه‌اش تعریف می‌کند و نوه‌اش هم اینها را می‌نویسد و به عنوان تحقیق کلاسی، ارائه می‌دهد. الحق و الانصاف، این بهانه داستان جالب و کنج‌گاو برانگیز است، اما با عقل دو دو تا چهار تا کن ما جور در نمی‌آید که يك نوجوان آمریکایی از ماجراهای پیچیده ایران سر در بیاورد و يك معلم آمریکایی هم این ماجراها را به عنوان تکلیف کلاسی قبول کند!

البته شاید نوجوان‌های خارجی همین قدر آرام و ساکت باشند و بدون هیچ کنش و فعل و انفعال خاصی! بنشینند پای صحبت‌ها و خاطرات سیاسی پدر بزرگشان و لام تا کام هم حرف نزنند.

اینها را گفتم که بگویم در این کتاب، بی‌خیال بهانه روایت باشید و اطلاعات بکر و دقیق درباره زندگی شهید بهشتی را بخوانید و لذت ببرید. اصلاً فکر کنید همه مطالب را مستقیماً از زبان نویسنده می‌شنوید یا فرض کنید که جناب لینکن این خاطرات را برای شخص شخیص شما تعریف می‌کند.

شهید بهشتی، یکی از چهره‌های انقلاب است که شخصیت جذاب و ذوب‌عادی دارد. مثلاً هم دانش حوزوی دارد و هم دکترای فلسفه الهیات دارد. هم به زبان عربی مسلط است و هم به زبان فرانسه و انگلیسی. هم در آلمان، فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی می‌کرده هم در ایران و...

در کتاب پشت شیشه‌های مات، تصویر نسبتاً جدید و کمتر دیده شده‌ای از شخصیت و زندگی شهید بهشتی ارائه شده است. نویسنده سعی کرده در خلال بازگویی اتفاقات تاریخی و سیاسی، ویژگی‌های شخصیت دکتر بهشتی را هم نشان دهد. مثلاً ماجرای دستگیری ایشان توسط ساواک را این‌گونه به تصویر کشیده است.

«مأمور، سرش را به بی‌سیم نزدیک کرد و گفت: این آقا کتاب‌های لینن و مائو و مارکس و شریعتی در خانه دارد. چه کار کنیم؟ صدای خش‌دار آن طرف خط گفت: بهشتی، محقق است و طبیعی است که از این کتاب‌ها داشته باشد. بگردید چیز دیگری پیدا کنید. مأموران، جست‌وجو را شروع کردند، سید محمد به پذیرایی آمد و بعد به اتاق خودش رفت و به همسرش گفت: بخشی از پول خانه را اینجا روی میز گذاشته‌ام. سپس خمیر دندان و مسواکش را برداشت و با صدایی آهسته به همسرش گفت: بخشی از گزارش بچه‌ها زیر مبل است. آنها

را بردار و از بین ببر! چون ممکن است اینها دوباره برگردند. یکی از مأموران که داشت به اتاق سرک می‌کشید، یک‌دفعه با صدای دکتر بهشتی می‌خکوب شد. «آقا بفرمایید آن طرف در. اینجا حریم خصوصی من است.» مأمور، تندی پرید آن طرف و بعد در را بست. سید محمد از اتاق بیرون آمد و رفت تا مسواک بزند. مأمورها ایستادند تا دکتر بهشتی از دستشویی بیرون بیاید. بعد خواستند لباس هایش را بپوشد. او را تا دم در همراهی کردند...»

قلم روان نویسنده، ماجراهای سیاسی را هم برای مخاطب عام، خواندنی کرده است. یکی از این ماجراها اختلاف بنی‌صدر و دکتر بهشتی است.

«کم‌کم اختلاف بنی‌صدر و دکتر بهشتی زیاد شد تا جایی که هواداران بنی‌صدر که بیشتر از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند، شایعه‌ای را ضد دکتر بهشتی ساختند. آنها با شعار «بهشتی، بهشتی، طالقانی را تو کشتی» سعی می‌کردند دکتر بهشتی را از ادامه دادن راه انقلاب، دلسرد و مأیوس کنند. حتی به مردم می‌گفتند دکتر بهشتی در بهترین جای شهر، يك کاخ بزرگ دارد. يك روز وقتی دکتر بهشتی داشت آمده می‌شد که به دیوان عالی کشور برود، جلوی در منزل خود، اتوبوسی را پر از مسافر دید.

دکتر بهشتی، راننده اتوبوس را می‌شناخت. او همسایه‌اش بود. راننده از ماشین پیاده شد و گفت: «اوقات ما را با حرف‌های بی‌ربط تلخ کرده‌اند.» دکتر بهشتی پرسید: «کی؟» راننده گفت: «عده‌ای از مسافران امروز بلند بلند درباره قصر شما حرف می‌زدند. من هم با اجازه، آنها را آوردم تا خانه شما را ببینند و باورشان بشود که شما يك خانه معمولی دارید.»



کتاب پشت شیشه‌های مات، ارزش خواندن دارد و در ۱۰۰ صفحه می‌توانید از ماجرای ازدواج تا فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی شهید بهشتی در آلمان و لبنان سردر بیاورید

شاید خیلی از ما ندانیم که شهید بهشتی، مؤسس مدرسه دین و دانش بوده یا تألیف کتاب‌های دینی مدارس پیش از انقلاب به عهده ایشان بوده است. کتاب پشت شیشه‌های مات، سرشار از این دست اطلاعات است.

سام گفت: «درست در همین سال‌ها (۱۳۴۲) بود که از دکتر بهشتی برای نوشتن کتاب‌های تعلیمات دینی دعوت شد. این‌طور که در اسناد خوانده‌ام، آنها از او رسماً دعوت کرده‌اند و این با عقل جور در نمی‌آید؛ چون دکتر بهشتی جزو عناصر - به قول خودشان - ناراحت به شمار می‌رفت.» پدر بزرگ گفت: «درست است؛ اما وزارت آموزش و پرورش آن وقت، کسی را نمی‌شناخت تا مسؤولیت این کار را به او بدهد. دکتر بهشتی، استاد مطهری، دکتر باهنر و دکتر علی‌گل زاده غفوری، از نیروهای آموزش و پرورش بودند و طبیعی بود که آنها کسانی را می‌خواستند که دسترسی آسانی به آنها داشته باشند.»

در بعضی از خرده‌روایت‌ها ردپای ذوق نویسنده دیده می‌شود و معلوم نیست که آن مطلب، مستند است یا حاصل تخیل وی؟ مثلاً در ماجرای بازگشت امام خمینی (ره) به ایران، دلیل غیبت شهید بهشتی در بهشت زهرا این‌گونه بیان شده است:

«همه رفته بودند و دکتر بهشتی اینجا در سالن انتظار تنها مانده بود. وقتی به بخش بار رسید به مسؤول بخش لبخندی زد و گفت: «آمده‌ام سراغ چمدان‌های امام.» مسؤول بخش باز مکثی کرد و گفت: «رسیدش را همراه دارید؟» دکتر بهشتی خندید: «توی این شلوغی نمی‌توانستم از همراهان امام رسید بگیرم.» مسؤول بخش لبخندی زد و گفت: «شما را می‌شناسم.»

بعد، چمدان‌های باقی مانده را به دکتر بهشتی داد. دکتر بهشتی، یکی یکی چمدان‌ها را توی چرخ حمل چمدان گذاشت و به سمت خروجی راه افتاد. پژوی ۵۰۴ آبی‌رنگ، انتظار راننده‌اش را می‌کشید. دکتر بهشتی، چمدان‌ها را توی صندوق عقب گذاشت و راه افتاد به سمت مدرسه رفاه. در راه افسوس می‌خورد که سخنرانی تاریخی امام در بهشت زهرا را از دست می‌دهد. بعد به خودش دل‌داری داد که از تلویزیون می‌تواند این سخنرانی را ببیند. شب که خانه رسید، همه نگرانش بودند.

محمدرضا گفت: «آن لحظه که اما به بهشت زهرا آمد ما همه داشتیم توی تصویر تلویزیون دنبال شما می‌گشتیم، اما نبودید. نگران شدیم که خدای نکرده اتفاقی برای شما افتاده باشد.» پدر لبخندی زد و گفت: «نه. خدا را شکر، این روز تاریخی به خوبی و خوشی تمام شد. چمدان‌های امام هم به ما رسید.» درست است مطلب امروزمان را با نقد کتاب آغاز کردیم اما در ادامه یادداشت، بخش‌های مختلفی از کتاب را آوردیم که ببینید کتاب پشت شیشه‌های مات، ارزش خواندن دارد و در صد صفحه می‌توانید از ماجرای ازدواج تا فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی شهید بهشتی در آلمان و لبنان سردر بیاورید. کتاب پشت شیشه‌های مات، زندگینامه داستانی شهید بهشتی است که توسط عزت‌ا... الوندی نوشته شده و سوره مهر آن را منتشر کرده است. [

